



دوره ۷ - شماره ۱۹ - بهار ۱۴۰۳

تحلیل فقهی و حقوقی اجاره بر اساس واحد زمان

همایون مافی، رضا احمدی لمراسکی

مطالعه تطبیقی سیاست جنایی تقنینی ایران و انگلستان در قبال آزارگری عاطفی

بهروز جوانمرد، سحر فاطمی

جایگاه زنان در افغانستان از منظر حقوق بین الملل بشر

محسن مولائی فرد، هادی مسعودی فر

تحلیل شرایط اساسی تشکیل قرارداد در انعقاد قراردادهای الکترونیکی؛ مسئولیت‌ها و مجازات‌ها

زهرا انصاری فر، مریم کمائی

بررسی جبران هزینه‌ها و امکان درخواست قرار تأمین هزینه‌ها در تأمین مالی داوری بین المللی توسط شخص ثالث

محمد مهدی اسدی

امکان سنجی تعقیب کیفری و حقوقی مقامات حکومتی در نقض حق سلامتی شهروندان (با تأکید بر کروناویروس)

محمد سعید حسینی، محمد جواد جاوید

معاونت در جرم در حقوق آمریکا و ایران؛ مطالعه‌ای با تأکید بر ابزارگرایی کیفری

روح الله آهنگران

جایگاه عقل در استنباط احکام فقهی

علی کریمی، حسن صادقیان مشکانی، سید محمد حسین جزایری

واکاوی حقوق زندانیان با رویکردی بر نهادهای داخلی و بین المللی

سیده مهشید میری بالاچورشری، امیررضا محمودی

تأثیر قرارداد بیست ساله بر روابط دوجانبه میان ایران و روسیه در دولت سیزدهم

سید امین حسینی، احمد شوهانی، ایرج مروتی

ارتقای حقوق فرهنگی در پرتو دین اسلام و نظام حقوقی ایران

علیرضا انصاری مهبیاری، زهرا سادات حسینی

جرایم ثبتی اسناد و املاک در حقوق کیفری ایران

امیر اسماعیلی، نوید معتمدآریا، فاطمه نظرپور

معیار تفکیک شکنجه از سایر رفتارهای غیرانسانی

ماهان قربانی پس‌ویشه

استثنائات اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات در برابر دارنده با حسن نیت

سارا فرزادی مهر، شاپور محمد حسینی، محمدرضا حقیقی

سندرم زن کتک خورده و دفاع مشروع: اختلافی قانونی و تجربی

مریم فرحی

آثار ضمانت حسن انجام تعهد در حقوق ایران

اصلان علیزاده



Assistant in Crime in American and Iranian Law; a Study with an Emphasis on Criminal Instrumentalism

معاونت در جرم در حقوق آمریکا و ایران؛ مطالعه‌ای با تأکید بر ابزارگرایی کیفری

Rohollah Ahangaran

PhD in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

روح الله آهنگران
دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

R.ahangaran@chmail.ir

Abstract

The principle is personal responsibility; No one bears the burden of another's sins. However, in all the civilized legal systems of the world, including America and Iran, in some cases, this principle is deviated from. Whenever someone helps someone else in committing the material element of the crime or causes the crime to occur, even though the specific person or the facilitator does not have a role in committing the material element of the crime, due to the causation of the crime, he is liable to punishment. In the instrumentalist American legal system, the deputy is punished as the mastermind of the crime. Although this is justifiable from the point of view of deterrence, it is against the standards of criminal justice. In Iran's legal system, based on adherence to the principles of criminal justice, the punishment of the deputy is lower than the punishment of the supervisor, which is weak in terms of deterrence, at least in some cases, but seems more consistent with the principles of criminal justice. Based on this difference, it seems that in the two systems, the concept, nature, territory, conditions, and effects of aiding and abetting crime in American and Iranian laws have fundamental differences. The question of the current research is how the analysis of the criminal deputy is done based on the principles of criminal law, especially instrumentalism. In this article, while answering this problem in an analytical-descriptive way, it has been suggested that by applying some criteria, it would distance itself from the excesses in America and Iran, so that in addition to the realization of criminal justice, other ideals and goals such as deterrence be realized

Keywords: Deterrence, Criminal Instrumentalism, American Criminal Law, Accomplices, Collusion.

چکیده

اصل بر شخصی بودن مسئولیت است؛ هیچ کس بار گناهان دیگری را به دوش نمی‌کشد. با این همه، در تمام نظام‌های حقوقی تمدن جهان از جمله آمریکا و ایران، در برخی موارد، از این اصل عدول می‌شود. هرگاه کسی دیگری را به طریقی در ارتکاب رکن مادی جرم، یاری کند یا سبب وقوع جرم شود، اگرچه، شخص معین یا تسهیل‌کننده، نقشی در ارتکاب رکن مادی جرم ندارد اما به دلیل سببیت در وقوع جرم، مستوجب عقاب است. در نظام حقوقی ابزارگرایی آمریکا، معاون، به مثابه مباشر جرم، مجازات می‌شود. این امر اگرچه از منظر قدرت بازدارندگی، قابل توجیه است اما با معیارهای عدالت کیفری منافات دارد. در نظام حقوقی ایران، با تکیه بر پابندی به اصول عدالت کیفری، مجازات معاون اخف از مجازات مباشر است که از نظر بازدارندگی، دست کم در برخی موارد، ضعیف عمل نموده اما با اصول عدالت کیفری سازگارتر به نظر می‌رسد. بر مبنای همین تفاوت به نظر می‌رسد که در دو نظام، مفهوم، ماهیت، قلمرو، شرایط و آثار معاونت در جرم در حقوق آمریکا و ایران واجد اختلاف بنیادین می‌باشد. سوال پژوهش حاضر این است که تحلیل معاونت کیفری باساس مبانی حقوق کیفری به‌ویژه ابزارگرایی، چگونه صورت می‌گیرد؟ در این پژوهش، ضمن پاسخ به این مسئله به روشی تحلیلی-توصیفی، پیشنهاد شده است تا با اعمال برخی معیارها، از افراط و تفریط موجود در آمریکا و ایران، فاصله گرفته تا علاوه بر تحقق عدالت کیفری، سایر آرمان‌ها و اهداف مانند بازدارندگی نیز محقق گردد.

واژگان کلیدی: بازدارندگی، ابزارگرایی کیفری، حقوق کیفری آمریکا، اصحاب جرم، تبانی.

Received: 2024/01/17 - Review: 2024/04/28 - Accepted: 2024/05/18

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۱۷ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۲۸ - پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۱۸

ارجاع:

آهنگران، روح‌الله؛ (۱۴۰۳)، معاونت در جرم در حقوق آمریکا و ایران؛ مطالعه‌ای با تأکید بر ابزارگرایی کیفری، تمدن حقوقی، شماره ۱۹.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

ارتکاب جرم به انحاء مختلف صورت می‌گیرد؛ گاه شخص بدون یاری گرفتن از دیگری، منفرداً رکن مادی جرم را مرتکب می‌شود. در فرض دیگر، ممکن است دو نفر یا بیشتر در ارتکاب رکن مادی جرم مداخله نموده به نحوی که جرم مستند به رفتار تک تک آنان است. فرض اخیر، شرکت در جرم نام دارد. در مورد دیگر، به رغم آن که بیش از یک نفر در ارتکاب جرم مداخله دارند، اما ارتکاب رکن مادی به همه آنان مستند نیست. برای مثال، یکی، دیگری را ترغیب می‌کند، تهدید می‌نماید یا تطمیع می‌کند تا وی جرمی را مرتکب شود. در این حالت، شخص ترغیب، تهدید یا تطمیع‌کننده، معاون جرم و کسی که با تأثیرپذیری از ترغیب، تهدید یا تطمیع مزبور، اقدام به ارتکاب جرم می‌نماید، مباشر جرم نام می‌گیرد.

در دو نظام حقوقی ایران و آمریکا، رفتار معاون جرم، جرم‌انگاری شده و به رغم عدم استناد نتیجه مجرمانه به چنین رفتاری، در این دو نظام حقوقی، در مجازات معاون تردید نشده است. با این همه، به سبب مبانی متفاوتی که در نظام‌های مزبور در رابطه با حقوق کیفری شکل گرفته، مجازات معاون نیز با تفاوت فاحش از یکدیگر اعمال می‌شود. در نظام حقوقی ابزارگرایی آمریکا،^۱ غیر از جنبه سزادهی مجازات‌ها و حقوق کیفری، اهداف دیگری مانند بازدارندگی از وقوع جرم نیز با تکیه بر آراء و

۱- برای ملاحظه و بررسی ویژگی‌های ابزارگرایی حقوقی و تفاوت آن با اخلاق‌گرایی رک: حامد رحمانیان و محمدجعفر

حیب زاده، ۱۳۹۲، ابزارگرایی کیفری: قلمرو، مفهوم، شاخص‌ها، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۵.

دیدگاه‌های بزرگانی همچون بکاریا، بنتام و...، در اعمال مجازات مدنظر قرار می‌گیرد. به همین سبب، مجازات معاون جرم، حتی اگر رفتار او در ارتکاب جرم بی‌تأثیر بوده یا بسیار ناچیز باشد، همسان با مباشر جرم خواهد بود. این در حالی است که در نظام حقوقی ایران، چون اصولاً جنبه‌های اخلاقی عدالت اصلاحی ملحوظ نظر است، مجازات معاون جرم، حتی اگر عرفاً رفتار وی به گونه‌ای باشد که بتوان نتیجه مجرمانه را به آن رفتار مستند نمود، باز هم از مجازات مباشر خفیف‌تر است. این قاعده، اگرچه اصولاً ممکن است متکی به اصول اخلاقی و قواعد مجازات‌ها، منطقی به نظر آید اما بدون تردید در برخی مواضع، با سیاست‌های ابزارگرایی همچون بازدارندگی از وقوع جرم، سازگار نیست. علاوه بر این، در جایی که عرفاً بتوان نتیجه مجرمانه را به رفتار معاون مستند نمود، تحمیل مجازات اخف از مباشر بر او، از نظر عدالت کیفری و اصول اخلاقی نیز قابل تأیید نیست.

مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که تحلیل معاونت در جرم و مجازات معاون از منظر مبانی ابزارگرایی کیفری به چه صورت شکل می‌گیرد؟ و نظام حقوقی ایران در این زمینه با چه اشکالاتی مواجه است؟ هدف از تأسیس نظام کیفری برقراری عدالت و در عین حال کاهش وقوع جرائم است. نتایج این پژوهش می‌تواند در این زمینه منشأ اثر باشد در غیر این صورت، نیل کامل به اهداف و مبانی نظام کیفری متعسر خواهد بود. در پژوهش حاضر تلاش می‌شود، با اتکاء به مبانی حقوق کیفری اعم از اخلاقی، اقتصادی و ابزارگرایی مفهوم، ماهیت و قلمرو معاونت در جرم، شرایط و آثار آن در حقوق آمریکا و ایران مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. در این راستا، بررسی برخی مفاهیم و ماهیات از قبیل اصل شخصی بودن مسئولیت و آثار، اصل یا استثناء بودن مسئولیت معاون جرم، آراء و دیدگاه‌های ناظر بر مبانی حقوق کیفری اعم از اخلاقی و اقتصادی و ابزارگرایی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱- کلیات و مبانی

۱-۱- مفهوم و قلمرو اصل شخصی بودن مسئولیت

اصل شخصی بودن مسئولیت یکی از اصول بنیادین در مسئولیت اعم از کیفری و مدنی تلقی می‌شود؛ این اصل بدان معنا است که تنها کسی در نتیجه ارتکاب یک جرم عقاب می‌شود که یا رکن مادی جرم را مرتکب شده و یا آن که به طریقی در وقوع آن مداخله داشته است. به دیگر سخن، هیچ کس را نمی‌توان به سبب فعل یا ترک فعل دیگری مجازات کرد (اردبیلی، ۱۳۹۲، ۱۳۴) و (محسنی، ۱۳۷۶، ۱۴) و (اردبیلی، ۱۳۷۵، ۲۲۳).

در هر دو نظام کیفری آمریکا و ایران، این اصل وجود دارد، اما مفهوم و قلمرو آن در دو نظام، با اختلافاتی همراه است.^۲ در حقوق آمریکا، معاون جرم به مثابه مباشر جرم مجازات شده و متحمل همان مجازاتی می‌شود که بر مباشر تحمیل می‌گردد اما در نظام کیفری ایران، مجازات معاون، ضرورتاً خفیف‌تر از مجازات مباشر است. علاوه بر این، شرایط و موارد احراز معاونت در جرم در حقوق آمریکا به مراتب از توسعه بیشتری نسبت به حقوق ایران برخوردار است. برای مثال، در حالی که مساعدت، ارائه طریق ارتکاب جرم پس از ارتکاب جرم توسط مباشر، نمی‌تواند مثبت تحقق معاونت باشد، در نظام حقوقی آمریکا، دست کم در ایالاتی که قانون خود را از کد نمونه جزایی اقتباس کرده‌اند، چنین اقداماتی نیز از مصادیق معاونت در جرم تلقی می‌گردد. همچنین، در نظام کیفری آمریکا، مساعدت‌های بسیار ناچیز بعضاً غیرمؤثر نیز ممکن است از مصادیق معاونت در نظر گرفته شود، اما در نظام کیفری ایران، این امر با توجه به تعیین مصادیق معاونت و ضوابط آن در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، منتفی است. برای مثال، در حقوق آمریکا، اگر شخص الف، کلیدی را به سارق بدهد تا با استفاده از آن سرقت را انجام دهد اما سارق از آن کلید استفاده ننماید، شخص الف، معاون در جرم سرقت تلقی شده و به مثابه مباشر در سرقت مجازات می‌شود، اما در حقوق ایران، چنین موردی، مشمول مصادیق معاونت در جرم نیست، زیرا فعل شخص الف، مؤثر در وقوع جرم نبوده است.

۱-۲- آثار شخصی بودن مسئولیت

اصل شخصی بودن مسئولیت، در نگاه نخست، اصلی کاملاً اخلاقی به نظر می‌رسد. اصول و قواعد اخلاقی پشتیبان آن بوده و به همین دلیل به‌عنوان یکی از مبانی اصلی عدالت کیفری در حقوق جزا مطرح است. مسئولیت کیفری تابعی از سن، جنس، عقل، اراده و اختیار افراد است. هیچ مجنونی مجازات نمی‌شود. هیچ کس به خاطر جرم ارتكابی توسط دیگری، مستوجب عقاب نیست. دلیل این امر روشن است؛ نه رفتار مجنون قابل سرزنش است و نه رفتار فردی که گناهی مرتکب نشده. عدم مجازات کسی که رفتارش قابل سرزنش اخلاقی نیست، امری کاملاً منصفانه و مبتنی بر قواعد اخلاقی است. این اصل با مبنای سنتی حقوق کیفری یعنی سزادهی نیز سازگاری دارد. به موجب این مبنا، هدف حقوق کیفری، سزادهی به کسانی است

۲- در حقوق کیفری اسلام، اصل شخصی بودن مسئولیت یکی از بنیادی‌ترین و بلکه اساسی‌ترین ویژگی‌های است (ولیدی، ۱۳۸۲، ۸۸).

که هنجارهای فردی و اجتماعی را زیر پا نهاده و مستوجب کیفر هستند. ضمن آن که، الزام افراد بی‌گناه به پاسخگویی، امنیت فردی آنان را با خطر مواجه می‌کند (گلدوزیان و حسین‌جانی، ۱۳۸۴، ۱۴۴). کاهش یا سلب امنیت فردی، نه تنها اخلاقاً مذموم است، از حیث آثار اجتماعی نیز مردود به نظر می‌رسد. جامعه‌ای که در آن، عموم افراد، احساس امنیت فردی نداشته باشند، جامعه صالحی نخواهد بود. چراکه در این صورت، افراد مجبورند هزینه‌های بیشتری را برای تأمین امنیت فردی صورت دهند. مطالعات نشان می‌دهد، که افزایش هزینه‌های تأمین امنیت فردی با کاهش امنیت اجتماعی ملازمه و همبستگی دارد

۱-۳- مفهوم و ماهیت معاونت در جرم

در نظام اجتماعی مدرن کنونی بسیاری از جرائم صرفاً در نتیجه مداخله افرادی غیر از مباشر جرم امکان تحقق دارد و چه بسا عدم معاونت دیگری، ارتکاب آن را ممتنع می‌نمود. جامعه از ارتکاب جرائمی که عاملین آن افزون بر یک نفر است، هراس بیشتری دارد.^۳ توافقات جمعی مجرمانه و مشارکت در جرم تهدید بالقوه شدیدتری را در قیاس با جرائم انفرادی متوجه جامعه می‌کند. در حقیقت، اقدامات ناشی از تبانی و اجتماع افراد، هم احتمال نیل به نتیجه مجرمانه را افزایش می‌دهد و هم موجب کاهش احتمال میل به ارتکاب جرائم در افراد می‌گردد (Doyle, 2014, 1). به همین سبب، کسی که رفتار مباشر جرم را تحریک یا ترغیب می‌کند یا او را در ارتکاب جرم مساعدت می‌نماید، هرچند شخصاً در ارتکاب رکن مادی جرم ایفای نقض نمی‌کند، سزاوار تحمل مجازات است (Sayre, 1930, 701).

مطابق بند الف ماده ۲ عنوان ۱۸ قانون جامع^۴ آمریکا^۵، هرکسی که جرمی را در آمریکا مرتکب شود یا نسبت به ارتکاب آن معاونت نموده، مشاوره داده، دستور دهد، ترغیب کرده یا مقدماتش را فراهم کند، به مثابه مباشر جرم مجازات می‌شود.^۶ بنابراین، معاون جرم کسی است که بدون مداخله مستقیم در ارتکاب رکن مادی جرم، عمداً^۷ از طریق کمک، مشاوره و ترغیب ارتکاب جرم، مباشرت در جرم را تسهیل نموده و به مباشر کمک می‌کند (Dressler, 2008, 431).

3- Iannelli v. United States, 420 U. S. 770, 778 (1975)

4- United States Code (USC)

قانون جامع آمریکا به مجموعه قوانین عمومی و دائمی فدرال آمریکا اطلاق می‌شود که توسط مجلس نمایندگان آمریکا، در قالب کد جامع گردآوری شده است.

۵- عنوان ۱۸ قانون جامع آمریکا به جرائم و مجازات‌ها و آیین دادرسی کیفری اشاره دارد.

6- 18 U. S. Code § 2.

۷- اگر عمد را عنصر تحقق معاونت بدانیم، معاونت در ارتکاب جرائم غیرعمدی موضوعاً متفی خواهد بود.

۱-۴- مسئولیت ناشی از معاونت در جرم؛ اصل یا استثنا؟

مسئولیت کیفری ناشی از معاونت در جرم، از آن جهت که موجب تحمیل مسئولیت بر کسی می‌شود که رکن مادی جرم را مرتکب نشده، به نوعی مسئولیت ناشی از فعل غیر به حساب می‌آید (rogers, 1988, 1351). مسئولیت کیفری ناشی از معاونت، ابزار تحمیل مسئولیت بر یکی به دلیل ارتکاب جرم توسط دیگری است (Dressler, 1985, 98). استاد «درسلر»، محقق مشهور و صاحب‌نظر حقوق کیفری آمریکا معتقد است که مسئولیت ناشی از معاونت در جرم، به طور کلی انحراف از اصول سنتی حقوق کیفری است، زیرا جرم یعنی، مجرم شخصاً اعمال مشکله جرم را انجام دهد (ارتکاب رکن مادی). برای مثال، قاتل، بگشدد یا متجاوز، تجاوز کند. در این موارد، معاون، قتل یا تجاوز را مرتکب نمی‌شود، با این حال، به مجازات قتل یا تجاوز محکوم می‌گردد، نه مجازات مساعدت در قتل یا تجاوز (Dressler, 1985, 92).

تردید نیست که ارتکاب رکن جرم مستند به رفتار معاون نیست (نجفی و همکاران، ۱۳۹۸، ۳۹۸). از طرف دیگر، مقررات کیفری باید به نحو مضیق تفسیر شوند و هر کجا که تردید به میان آمد، به مقتضای اصل عمل نمود. اگرچه مستندات تحمیل مجازات بر معاون جرم در حقوق اسلام، آمده (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲، ۳۹) و البته برخی نیز قائل به تنزیهی بودن و عدم حرمت اعانه هستند (علیدوست، ۱۳۹۳، ۳۸) و (حسینی و ملیحی، ۱۳۹۵، ۷۱) و (احدی و فخلعی، ۱۳۹۳، ۳۰)، اما در هر حال به نظر می‌رسد که دلیل مجازات معاون، بیش از آن که متکی به اصول حاکم جرم و مجازات‌ها باشد، بر پایه عمل‌گرایی قابل تفسیر است. به همین سبب است که تا وقتی جرم اصلی ارتکاب نیافته، در حقوق اسلام و ایران، معاونت نیز محقق نشده و اصولاً شخص معاون مجازاتی ندارد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲، ۱۰).

مجازات مترتب بر معاونت، به علت نقشی است که در تسهیل وقوع جرم دارد و فی نفسه، جرم محقق نیست. نظام‌های حقوقی، با تحمیل مجازات بر معاون، در صدد انسداد مسیرهای منتهی به وقوع جرم هستند. معاون جرم، تعزیر (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲، ۱۳) می‌شود تا از وقوع جرم پیشگیری شود (Leon, 1982, 273). بنابراین، دولت‌ها با اعمال تدابیر اتخاذی خود از جمله مجازات معاون، سعی می‌کنند نقش خود را در بازدارندگی از وقوع جرم ایفاء کنند. بنابراین، به نظر می‌رسد که قول به استثنائی بودن تحمیل مجازات بر معاون جرم موجه‌تر بوده و به همین سبب، تفسیر مضیق آن در حوزه ماهیت، ارکان و آثار توصیه می‌گردد.

۱-۵- اهداف و مبانی حقوق کیفری

به طور کلی، در حقوق کیفری، دو رویکرد راجع به مبنا و هدف حقوق کیفری مطرح شده است؛^۸ به موجب دیدگاه کلاسیک که از دیدگاه کانت الهام گرفته، تنها هدف حقوق کیفری، سزادهی و انتقام‌جویی است (Pugsley, 1979, 1501) و (Fisher, 2014, 41). تا اوایل قرن نوزدهم، مجازات قانونی به‌عنوان انتقام جامعه از مجرم تلقی و بر همین مبنا توجیه می‌شد. قاعده راهبردی در این زمینه، قصاص و تلافی بود^۹ که مستلزم برابری دقیق مجازات با رفتار مجرمانه و درجه جرم می‌شد. انتقام‌جویی در قالب مجازات‌های جسمانی و سالب حیات صورت می‌گرفت و شامل اقداماتی مانند شلاق، قصاص عضو، سوزاندن و گردن زدن می‌شد. از منظر کانت، تحمیل مجازات بر مجرم نمی‌تواند صرفاً به مثابه ابزاری در راستای تولید و توسعه برخی فواید برای مجرم یا جامعه مدنی در نظر گرفته شود. تحمیل مجازات صرفاً به این دلیل صورت می‌گیرد که او مرتکب جرم شده است.

با وجود این، از اواسط قرن نوزدهم و با الهام از آراء سزار بکاریا و جرمی بنتام، رهیافت سودانگاران و ابزارگرا نسبت به مجازات، جانشین رویکرد تلافی‌جویانه کانتی شد. فلاسفه مختلف، هر کدام با رویکرد خاص خود، رهیافت ابزارگرایی کیفری را با اتکاء به مفهوم بازدارندگی در مقابل سزادهی، توسعه داده‌اند که در این بخش، به بررسی آراء فلاسفه مزبور پرداخته می‌شود تا زوایای گوناگون این رهیافت روشن‌تر گردد.

۱-۱-۵- قرارداد اجتماعی هابز؛ مبانی برای ابزارگرایی

نظریه قرارداد اجتماعی توماس هابز، نخستین قرائت ابزارگرایانه از حقوق کیفری است که در آن به جای توجه به خود مقررات، اهداف اجتماعی تأکید شده است. هابز، در اثر مشهور خود، لویاتان، حقوق کیفری و تأسیس نظام عدالت کیفری را به حراست و حفاظت از نوع انسان مرتبط نمود. هابز با این تعبیر، مبانی برای هدف بازدارندگی در اعمال مجازات شکل داد.

نظریه هابز در این زمینه مبتنی بر برخی پیش‌فرض‌ها در خصوص انسان و زندگی اجتماعی او است؛ انسان در یک وضعیت طبیعی، یعنی وضعیتی که هنوز حاکم سیاسی وجود ندارد، قطع‌نظر از آسیب‌هایی که ممکن است

۸- اگرچه این مبانی در خصوص کلیت حقوق کیفری است اما قطعاً نسبت به عناصر آن مانند معاونت در جرم نیز قابل اعمال است. از همین روی، در بحث حاضر، مبانی ابزارگرایی حقوق کیفری که قابل تسری به موضوع معاونت در جرم نیز می‌باشد، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

9- Exodus 21: 23-25; E. PINCOFFS, THE RATIONALE OF LEGAL PUNISHMENT 3 (1966).

به دیگران بزند، رفتار خودمحوری داشته و به منافع و مضار دیگران توجهی ندارند. زندگی انسان در وضعیت طبیعی، به یک جنگ دائمی بدل خواهد شد؛ انسان‌ها برای رفع نیازهای اولیه مادی و معنوی خود مانند غذا، رفاه و قدرت به خشونت علیه یکدیگر متوسل شده و بنابراین، همواره در معرض خطر جنگ و خشونت خواهند بود. انسان به‌عنوان یک موجود عاقل، به منظور مصون ماندن از این خطر دائمی، سعی می‌کند، بخشی از آزادی خود را در یک قالب قرارداد اجتماعی به دیگری واگذار کند تا ضمن خروج از این وضعیت طبیعی، شخص اخیر در عوض، از او در برابر خطرات احتمالی دیگران حراست نماید.^{۱۰}

۲-۱-۵- کنترل نفس مستبد افراد؛ مبنایی برای بازدارندگی

سزار بکاریا، حقوقدان و نظریه‌پرداز مشهور ایتالیایی با الهام از اصول نظریه قرارداد اجتماعی هابز، در اثر ماندگار خود با عنوان «رساله جرائم و مجازات‌ها»، اهداف و شرایط اعمال مجازات‌های کیفری را تبیین نمود.^{۱۱} بکاریا نیز مانند هابز، انسان‌ها را در وضعیت طبیعی، موجودات عاقلی می‌پنداشت که به کسب لذایذ خود تمایل دارند. علاوه بر این، بکاریا، درست همانند هابز، وضعیت طبیعی را به دلیل وجود این تمایل، به یک میدان جنگ بی‌پایان، تشبیه کرده است. میدانی که در آن هر کسی بدون توجه به خساراتی که ممکن است به دیگری بزند، در صدد جلب منافع خویش است. به باور بکاریا، انسان به منظور فاصله گرفتن از این وضعیت جنگی و نیل به صلح و آرامش در پرتو آزادی، تمایل خواهد داشت تا از آزادی خود به نحو جزئی صرف‌نظر کند. بر این مبنای حقوق کیفری و مجازات، ابزارهایی در راستای حراست از صلح و آزادی هستند. این دو نهاد، برای کنترل انحرافات که افراد آزاد و عاقل به منظور نیل به منافع و لذایذ شخصی خود به آن دچار می‌شوند، ضروری هستند (Fisher, 2014, 43).

۳-۱-۵- جلب منفعت و دفع الم؛ مبنایی برای بازدارندگی

نظریه بنتام، بر بنیان روح لذت‌طلب نوع انسان استوار است. از نظر بنتام، طبیعت، انسان را تحت سلطه دو نیروی مقتدر به نام‌های لذت و الم قرار داده است. تمام افعال انسان‌ها و هنجارهای حاکم بر آن تابعی از این دو نیرو است (West, 2004, 23). بنتام بر مبنای سلطه این دو نیرو، اصول سودانگاری را استخراج می‌کند که به موجب آن، معیار درست و غلط و حق و باطل، بیشترین رفاه برای بیشترین تعداد انسان است (Bentham, 1984, 298).

10- see: talia fisher, ECONOMIC ANALYSIS OF CRIMINAL LAW, in: The Oxford Handbook of Criminal Law, ed by: Markus Dirk Dubber, Tatjana Hörnle, Oxford University Press, 2014, p. 42.

11- 7 Cesare Beccaria, On Crimes and Punishments, in On Crimes and Punishments, and Other Writings ([1767] ed. Richard Bellamy and transl. Richard Davies, 1995), p. 9.

حال باید دید که اعمال این نظریه در زمینه حقوق کیفری چگونه است؟ به باور بنتام، مجازات، الم ناشی از ارتکاب جرم و منافع ناشی از ارتکاب جرم، محرک وقوع جرم محسوب می‌شوند. اگر منفعت ناشی از جرم بیشتر از رنج و الم ناشی از مجازات باشد، جرم، واقع می‌شود و بالعکس، چنانچه مجازات، درد و رنج بیشتری از لذت ناشی از جرم، به شخص تحمیل کند، جرم، ارتکاب نخواهد یافت. بنابراین، ارتکاب جرم، انعکاس تمایلات لذت‌جویانه‌ای است که متضمن توسل به عقلانیت در انتخاب رفتار مجرمانه یا اجتناب از آن است (Bentham, 1879, 399).

۴-۱-۵- بازدارندگی از طریق اقتصاد جرم و مجازات

بکر با اتکاء به تحلیل هزینه-فایده و انتخاب عاقلانه، در پی پاسخ به این پرسش‌ها بود که چه تعداد از منابع و چه میزان از مجازات باید به منظور اجرای انواع مختلف تقنین مورد استفاده قرار گرفته؟، چه تعداد از جرائم باید نادیده انگاشته شده؟ و چه تعداد از مجرمین باید بدون مجازات رها شوند؟ (Becker, 1968, 170). وی اثبات کرد که حجم جرائم، انعکاس‌دهنده فعل و انفعال میان افراد و اجرای قانون است. بر این مبنای، بزهکار بالقوه در جامعه، زمانی ارتکاب جرم را انتخاب می‌کند که فایده مورد انتظار از جرم از هزینه‌های متوقع آن و هرگونه فایده جایگزین ناشی از صرف وقت و منابع نسبت به سایر فعالیت‌های قانونی و غیرقانونی‌اش بیشتر باشد.

مدل اقتصادی بکر به این ترتیب است؛ تصور کنید تمام مجرمین بالقوه، منفعتی اعم از مادی و غیرمادی را از اشتغال به فعالیت مجرمانه کسب می‌کنند. اجرای قانون، هزینه‌هایی را بر مجرم تحمیل می‌کند که شامل شدت مجازات و احتمال تحمیل آن می‌شود. با افزایش منافع ناشی از جرم، فعالیت مجرمانه نیز افزایش می‌یابد و چنانچه، شدت مجازات یا احتمال تحمیل آن فزونی گیرد، فعالیت مجرمانه کاهش خواهد یافت. بنابراین، سیاستگذار کیفری می‌تواند از طریق افزایش احتمال تحمیل مجازات بر مجرم با استفاده از دستگیری و حبس او، توسعه قلمرو مجازات به واسطه وضع جریمه‌های سنگین‌تر یا محکومیت طولانی‌تر یا کاهش منافع ناشی از فعالیت مجرمانه، ارتکاب جرم را تقلیل دهد. بکر در پاسخ به این مسائل، ضمن ارائه یک نظریه اقتصادی درخصوص اجرای بهینه قانون، هدف حقوق کیفری و اجرای آن در قالب اعمال مجازات‌ها را به حداقل رساندن هزینه‌های جرم و پیشگیری از جرم دانست.

۵-۱-۵- تخصیص بهینه منابع

از نظر پوزنر، کارکرد اصلی حقوق کیفری ممانعت افراد از ایجاد ناکارآمدی اقتصادی در بازار است (Posner, 1983, 85). بازار مهم‌ترین محل برای تخصیص بهینه منابع است چراکه در آن مبادله صورت می‌گیرد. هر چیزی که مبادله را مختل کند، عامل ناکارآمدی بازار تلقی می‌شود. جرم نیز عامل ناکارآمدی بازار است زیرا موجب اختلال در مبادله می‌شود. برای مثال، اگر شخص الف، خواهان یک اتومبیل است، در صورتی که به جای خرید، آن را سرقت نماید، بازار ناکارآمد خواهد شد.

از نقطه نظر پوزنر، کارآمدی بازار محصول پایین بودن هزینه‌های مبادله است. جرم، موجب افزایش هزینه‌های مبادله می‌شود و به همین سبب، باید با آن مقابله کرد (Harcourt, 2011, 139). مجازات، عامل بازدارنده‌ای است که از افزایش هزینه‌های مبادله و نهایتاً بروز ناکارآمدی در بازار جلوگیری می‌کند. علاوه بر این، تسهیل وقوع اعمال مجرمانه‌ای مانند سرقت که موجب انتقال اجباری (در مقابل انتقال ناشی از معامله ارادی) مال از یکی به دیگری می‌شود، انگیزه قربانیان و سارقان بالقوه را به ترتیب به سمت سرمایه‌گذاری در اقدامات احتیاطی و سرقت سوق می‌دهد. یعنی منابع جامعه صرف اتخاذ تدابیر امنیتی و احتیاطی یا سرقت شده و به تعبیر مناسب‌تر، منابع جامعه تلف می‌شوند (Posner, 1983, 68). حقوق کیفری و مجازات، می‌تواند از طریق پیشگیری از وقوع جرم، از اتلاف منابع جامعه نیز جلوگیری کنند.

۲- حقوق ایران و آمریکا از منظر بازدارندگی و اخلاق

در نظام حقوقی ایران مجازات معاون، به سبب عدم استناد جرم ارتكابی به رفتار او، اخف از مباشر جرم است و اصولاً از انواع مجازات‌های تعزیری به شمار می‌رود. تردیدی نیست که تحمیل مجازات کمتر بر کسی که رکن مادی جرم را مرتکب نشده، در قیاس با کسی که آن را مرتکب شده، دست‌کم در ظاهر، امری اخلاقی و مطابق با موازین حقوق کیفری به نظر می‌رسد. با این همه، توجه به معنا و کارکرد تعزیر در حقوق کیفری اسلام و ایران، نشان می‌دهد که تعزیر، قطع نظر از رسالت سزادهی خود، هدف والاتری را دنبال می‌کند؛ هدف از تعزیر مبارزه با فساد و مستحکم کردن پایه‌های نظام اجتماعی است (خسروشاهی و آئیدی، ۱۳۹۴، ۱). این هدف از طریق بازدارندگی عام و خاص محقق می‌شود (انصاری و همکاران، ۱۳۸۵، ۲۹۳).

با توجه به آن که دست‌کم در مورد مجازات معاونت، بسیاری از مصادیق آن به جرائمی باز می‌گردد که

مجازات منصوصی ندارد،^{۱۲} بحث از مجازات معاون جرم، عموماً مشمول بند «ت» ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌شود. به موجب این بند، معاون در جرائم تعزیری، به یک یا دو درجه پایین‌تر از مجازات مباشر محکوم می‌گردد. برای مثال، جرم جعل، به‌عنوان یک جرم تعزیری و البته مهم را در نظر بگیریم؛ به موجب ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، «هرکس در اسناد یا نوشته‌های غیررسمی جعل یا تزویر کند یا با علم به جعل و تزویر، آن‌ها را مورد استفاده قرار دهد، علاوه بر جبران خسارت وارده، به حبس از شش ماه تا دو سال یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد». استفاد از این ماده و با عنایت به مفاد ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجازات جعل در اسناد عادی، از نوع درجه شش می‌باشد. از طرف دیگر، براساس بند «ت» ماده ۱۲۷ همان قانون، مجازات معاونت در جرائم تعزیری از قبیل جعل، یک یا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم اصلی است. در اینجا، مجازات معاون جرم جعل در اسناد عادی، حسب مورد درجه هفت یا درجه هشت خواهد بود.

در این وضعیت، اگر حتی محرز شود که چنانچه رفتار معاون نبود، جعل امکان تحقق نداشت، (سببیت شدید رفتار معاون)، باز هم مجازات او بسیار سبک تلقی شده و در بهترین حالت، به مجازات درجه هفت محکوم خواهد شد. مجازاتی که حتی ممکن است به جهت شمول احتمالی ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، بر معاون تحمیل نشود. اگر هم سببیت رفتار معاون در وقوع جعل شدید نباشد، دادگاه از این اختیار برخوردار است که از همان ابتدا مطابق بند «ت» ماده ۱۲۷ قانون مذکور، مجازات بسیار خفیف درجه هشت را اعمال نموده و یا بر مبنای بند «ح» ماده ۳۸ همان قانون، ناظر بر تعیین جهات تخفیف مجازات، با استناد به مداخله ضعیف معاون در ارتکاب جرم، وی را مشمول تخفیف قرار داده و عطف به ماده ۳۷ این قانون، مجازات بسیار خفیفی بر وی اعمال نماید.

همین تحلیل در مورد جرم سرقت تعزیری غیرمشدد، مندرج در ماده ۶۶۱ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، قابل ارائه است. دو جرم جعل و سرقت، از جرائم بسیار مهم علیه اموال و مالکیت بوده و بدیهی است که پیشگیری از وقوع چنین جرائمی، از اهمیت به سزائی برخوردار است. انسداد مسیر مساعدت به ارتکاب جعل و سرقت از طریق اعمال مجازات‌های بازدارنده نسبت به معاون جرم، می‌تواند در این زمینه نقش پررنگی ایفاء کند. این در حالی است که همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تعزیر معاون جرم جعل و سرقت که باید با هدف بازدارندگی عام و خاص صورت گیرد، به حدی ضعیف است که نیل به چنین اهدافی

را ممتنع می‌نمایاند. قطع نظر این که، دست کم در مواردی که میزان سببیت رفتار معاون در وقوع جرم شدید است، سهل‌گیری نسبت به او، از نظر اخلاقی نیز سزاوار به نظر نمی‌رسد.

در نظام حقوقی آمریکا، به سبب تحمیل مجازات همسان با مباشر بر معاون جرم، این مجازات از قدرت بازدارندگی زیادی برخوردار است اما در عین حال، ممکن است با اصول حقوق کیفری و اخلاقی منافات داشته باشد. بدین توضیح که در این نظام حقوقی، بدون توجه به میزان، توحه و تأثیر رفتار معاون در شکل‌گیری جرم اصلی، مجازات همسان مباشر بر معاونین تحمیل می‌شود. فرقی نمی‌کند، معاون کسی باشد که صرفاً و به نحو شفاهی مباشر را به ارتکاب جرم ترغیب کرده و یا آن که شخصی باشد که در صحنه جرم حضور دارد و در همان لحظه‌ای که قاتل به دنبال یافتن سلاح سرد است، سلاح سردی را به او می‌دهد.

اگرچه، ارعاب عام و در نتیجه پیشگیری از ارتکاب جرم معاونت در قالب ترغیب شفاهی افراد به ارتکاب جرم نیز امری مفید به نظر می‌رسد اما اولاً این امر از نظر اخلاقی صحیح و منصفانه نیست، ثانیاً حتی بر مبنای برخی تحلیل‌های سودانگار نیز ممکن است بهینه به نظر نرسد؛ اجرای قانون و تقبل هزینه‌های آن به منظور دستگیری و محکومیت شخص به سبب ترغیب ساده شفاهی، درحالی که بدون تردید نمی‌توان قائل به تأثیرگذاری زیاد آن در ارتکاب جرم بود، از منظر رهیافت اقتصادی گری بکر بهینه تلقی نخواهد شد، چرا که هزینه اجرای قانون در این مورد، بیش از هزینه‌های اجتماعی است که رفتار مشوق جرم بر جامعه تحمیل می‌کند. این ملاحظات نشان می‌دهد که قانون ایران درجایی که شدت و ضعف میزان مداخله معاون جرم را در تعیین مجازات برای او لحاظ می‌کند،^{۱۳} بر قانون آمریکا ترجیح دارد.

۲-۱- ایجاد موازنه

مبنای حقوق و حاکمیت قانون به آسانی قابل تشخیص نیست؛ نه می‌توان به طور قطع و با اطمینان مبنای حقوق را اخلاق دانست و نه می‌توان آن را یکسره، تابعی از تجارب زیست اجتماع و افراد تلقی کرد. معاونت در جرم نیز از این قاعده مستثناء نیست. تحمیل مجازات همسان با مباشر جرم بر معاون در حقوق آمریکا یا احراز بسیار سهل و آسان معاونت و تخطی کامل از اصول حاکم بر حقوق کیفری، هرچند ممکن است از نگاه تحلیل‌های ابزاری و اقتصادی، کارآمد باشد اما بدون تردید، همواره اخلاقی به نظر نمی‌رسد. در مقابل، رویکرد خفیف و بعضاً در حکم عدم نظام حقوقی ایران در قبال معاونت در جرم،

اگرچه مبتنی بر اصول اخلاقی و حقوقی، قابل پذیرش به نظر می‌رسد اما بدون تردید، دست کم در برخی مواضع نمی‌تواند اهداف حقوق کیفری را تعقیب و به‌ویژه از منظر بازدارندگی ضعف عمل می‌نماید. باید در پی معیارهایی بود که در عین، پایبندی به اصول اخلاقی و حقوقی، اهداف فراحقوقی و اجتماعی را نیز تأمین نمایند. به تعبیر پروفیسور درس‌ر، یک روش کاملاً غیرعملی اما اخلاقی، اساساً فاقد ارزش است و یک روش عملی اما مخالف اخلاق، بدتر است (Dressler, 1985, 121). بنابراین، طرح معیارهایی که بتواند میان اخلاق و عمل موازنه برقرار کند ضروری به نظر می‌رسد. این معیارها که تحمیل مجازات بر معاون را اخلاقاً و عملاً توجیه می‌کند عبارتند از: مداخله اساسی (مؤثر بودن)؛ کنترل و تسلط؛ سببیت در وقوع.

۱-۲-۱- مؤثر بودن مداخله

نحوه و میزان مداخله معاون در ارتکاب جرم متغیر است؛ گاه این مداخله آنقدر ناچیز است که در حکم عدم به نظر می‌رسد مانند جایی که در آن معاون کلید منزلی را برای سرقت به سارق می‌دهد اما سارق اساساً از آن کلید استفاده نمی‌کند و گاه نیز مداخله مزبور کاملاً مؤثر و اساسی است مانند فرضی که در آن معاون با علم به این که قاتل در پی یافتن چاقویی برای فروکردن در بدن مقتول است، چاقویی را در صحنه درگیری در اختیار قاتل قرار داده و قاتل ضمن فروکردن آن در بدن مقتول، وی را به قتل می‌رساند. تحمیل مجازات همسان با مباشر سرقت و قتل بر معاون در این دو مورد، در حالی که درخصوص فرض قتل، موجه به نظر می‌رسد، نسبت به فرض سرقت، فاقد وجاهت اخلاقی و حقوقی است.

در مقابل، تحمیل مجازات همسان بر کسی که رفتار ناچیز و غیرمؤثری در ارتکاب جرم داشته، بسیار بازدارنده است و می‌تواند بروز چنین رفتارهای ناچیزی را نیز به حداقل برساند. وقتی رفتاری در بروز جرم غیرمؤثر است اصرار بر بازدارندگی از بروز آن ضمن زیرپا نهادن اصول و قواعد بنیادین حقوق کیفری و اخلاقی، وجه منطقی ندارد جز آن که گفته شود، در اینجا شخص حالت خطرناک خود را نشان داده و با ابراز قصد مجرمانه خود، مجازات جرم مربوطه را به جان خریده است. این نحو از تحلیل صحیح به نظر نمی‌رسد و به صرف احراز حالت خطرناک نمی‌توان مجازاتی را بر کسی تحمیل نمود. برای مثال، چنانچه، کسی با قصد قتل دیگری، تیری را به قلب او شلیک کند، اما اتفاقاً شخص نمیرد، آیا می‌توان شلیک‌کننده را به جرم قتل عمد، قصاص نمود؟ با این استدلال که او حالت خطرناک خود را به‌عنوان یک قاتل نشان داده است. بنابراین، ایجاد موازنه در این حالت اقتضاء می‌کند که مداخله معاون در جرم،

اساسی و مؤثر بوده، مجازات او شدیدتر و در مواردی که مداخله او فاقد چنین خصیصه‌ای است، به مجازات خفیف‌تری محکوم گردد.

۲-۲-۱- کنترل و تسلط

به موجب این معیار که در حقوق کشورهای اروپایی مبنای مسئولیت را شکل می‌دهد (Dressler, 1985, 124)، تنها کسانی استحقاق تحمل مجازات همسان با مباشر را دارند که رفتار مباشر جرم تحت کنترل و سیطره او انجام می‌شود. این معیار به معیار نمایندگی نزدیک است و ترجمان دیگری از آن می‌باشد. در مسئولیت مدنی نیابتی نیز هرگاه یکی بر دیگری کنترل و نظارت داشته باشد، چنانچه شخص کنترل‌شونده خسارتی به دیگری وارد آورد، شخص کنترل‌کننده به نحو تضامنی مسئول جبران تمام خسارت است زیرا در اینجا، ارتکاب خطای زیانبار به او نسبت داده می‌شود. برای مثال، شخصی را در نظر بگیرید که گروه سارقین بانک را از طریق الکترونیک هدایت و کنترل می‌کند به گونه‌ای که تمام اعضای گروه گوش به فرمان او هستند و خارج از دستورات و رهنمودهای وی هیچ کنش یا واکنشی ندارند. در این مورد، اگرچه شخص هدایت‌کننده گروه، در ارتکاب رکن مادی سرقت مداخله مستقیم ندارد، اما نقش وی در وقوع جرم به سبب کنترل و سیطره او بر مباشرین سرقت به اندازه‌ای است که تحمیل مجازات همسان با آنان بر او توجیه‌پذیر به نظر می‌رسد. رفتار هدایت‌کننده به قدری قابل ملامت است که اصول اخلاقی نیز مجازات وی را خلاف عدالت تعبیر نمی‌کند. از طرف دیگر، سیاست‌های بازدارندگی نیز اعمال چنین مجازاتی را تأیید می‌کنند زیرا بدون تردید، هدایت این چنینی مباشرین جرم، وضعیت خطرناکی را برای جامعه ایجاد می‌کند که جلوگیری از وقوع آن امری ضروری به نظر می‌رسد.

بنابراین، در حقوق کیفری ایران نیز می‌توان با اتکاء به چنین معیاری، هرکجا که کنترل و سیطره شخص بر مباشرین جرم، زیاد باشد، حسب مورد، یا جرم را به وی منتسب نموده و یا آن که مجازات او تشدید شود. البته در ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، وقتی قانونگذار از مجازات سردهستگی گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته سخن می‌گوید، ظاهراً از همین معیار بهره برده است، چراکه سردهستگی در این ماده موجب تشدید مجازات کسی شده است که به رغم عدم ارتکاب رکن مادی جرم، اداره گروه مجرمانه با او بوده است. با این همه، چون این ماده خاص گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته است، تعمیم حکم مندرج در آن به موارد مشابه، جایز نیست.

۳-۲-۱- سببیت در وقوع

سببیت در وقوع، یکی از مهم‌ترین ارکان مسئولیت اعم از کیفری و مدنی است. به موجب این معیار، معاون در صورتی به مجازات مباشرت در جرم محکوم می‌شود که اگر رفتار او نبود، جرم محقق نمی‌شد. معیار مزبور، به معیار «جز به سبب» شهرت دارد. در نظام حقوقی آمریکا، این معیار به منظور احراز مسئولیت، در کنار معیار «سببیت نزدیک» که برای تعیین قلمرو مسئولیت استفاده می‌شود، به کار می‌رود. متهم نمی‌تواند، مسئول قتل واقع شود جز آن که اعمال او سبب مرگ قربانی شده باشد؛ یا این که متهم شروع به قتل نمی‌تواند مسئول این نوع اتهام تلقی گردد، جز آن که احتمال داده شود، اگر مداخله به موقع افسر پلیس نبود، متهم مرتکب قتل می‌شد. ممکن است، طرح این معیار در مانحن فیه با این اشکال مواجه شود که اصولاً در معاونت، رابطه سببیت منتفی است و وجه ممیزه معاونت در جرم از شرکت در آن نیز همین است و اگر جرم، مستند به رفتار معاون باشد، او مباشر جرم است و در کنار سایر مباشرین، شرکت‌کنندگان در جرم خواهند بود (Dressler, 1985, 125). برخی اساتید حقوق کیفری آمریکا با تکیه بر همین تحلیل، تحمیل مجازات همسان با مجازات مباشر را موجه دانسته‌اند.

در حقوق کیفری ایران نیز ردپای چنین تحلیلی به چشم می‌خورد. فرض مورد بحث در نظام حقوقی ایران تحت عنوان اجتماع مباشر و سبب توصیف می‌شود. تولیدکننده ماده مخدر، مباشر جرم بوده و تهیه‌کننده ماده اولیه، سبب ارتکاب آن به حساب می‌آید. آنچه در مسئولیت مدنی به عنوان سبب از آن یاد می‌شود، در حقوق کیفری، همان معاون نام می‌گیرد (آقایی‌نیا، ۱۳۹۴، ۱۵۰).

به موجب ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که در صدد نوآوری برآمده، «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت، مستند به تمام عوامل باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند، مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند». مطابق این ماده و در مخالفت با قول مشهور و اجماعی در فقه امامیه مبنی بر مسئولیت منحصر مباشر در فرض اجتماع با سبب، هرگاه عرفاً جرم مستند به رفتار سبب (معاون) نیز باشد، او در کنار مباشر، واجد مسئولیت خواهد بود. حتی اگر، حکم این ماده را بر نتاییده و به دلیل مخالفت آن با قول مشهور فقها، آن را مردود بدانیم، تمسک به روح این ماده در راستای توسعه مسئولیت معاون جرم در فروعی خاص، قابل توصیه است. در برخی موارد مانند مثال فوق، تحمیل مجازات سنگین بر معاون جرم، اخلاقاً و عرفاً صحیح

به نظر می‌رسد. به همین دلیل است که برخی محققان، با استناد به تحلیل مورد اشاره و مستند به مفاد ماده ۵۲۶ مرقوم، پیشنهاد داده‌اند تا در مواردی که عرفاً امکان انتساب نقض مستقیم کیی‌رایت توسط مباشر آن، به مسبب وجود دارد، حکم به مسئولیت سبب داده شود (نجفی و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۸۱).

۳- بازخوانی عناصر معاونت در جرم؛ تحلیل مبنامحور

معاونت در جرم، جرم است و مانند هر جرم دیگری، از رکن مادی و روانی تشکیل می‌شود (Clark&Marshall, 1967, 260). از طرف دیگر، در حقوق آمریکا همگان اذعان دارند که معاونت در جرم، خود جرم مستقلی محسوب نمی‌شود، یعنی فرعی بوده و وابسته به جرم اصلی است. بر این اساس می‌توان از ارتکاب جرم اصلی نیز به‌عنوان یکی دیگر از عناصر معاونت در جرم نام برد.

۳-۱- رکن مادی

به موجب بند «الف» ماده ۲ عنوان ۱۸ قانون جامع آمریکا^{۱۴}، رکن مادی معاونت در جرم عبارت است از کمک کردن، مشورت دادن، ترغیب نمودن و تهیه مقدمات جرم. با توجه به آن که مشورت دادن و تهیه مقدمات جرم نیز به نوعی کمک کردن به مجرم اصلی محسوب می‌شود، برخی محققان بر این باورند که احراز رکن مادی معاونت در جرم مستلزم اثبات کمک یا ترغیب از سوی معاون می‌باشد (Lafave&Scott, 972, 339). با توجه به آن که کمک یا ترغیب دیگری در ارتکاب جرم با فعل مثبت محقق می‌شود، تردیدی نیست که رکن مادی معاونت فعل است. با این حال، در جایی که وظیفه‌ای قانونی وجود دارد و شخص ضمن نادیده گرفتن آن وظیفه قانونی، موجبات ارتکاب جرمی را فراهم می‌کند، برخی دادگاه‌ها رکن مادی معاونت را محقق دانسته‌اند (Lafave&Scott, 972, 342). قوت یا ضعف عملی که رکن مادی معاونت را شکل می‌دهد اثری در مسئولیت معاون ندارد و عملی هرچند ناچیز، با حصول سایر شرایط تحقق معاونت در جرم را رقم می‌زند (Heyman, 2014, 31). این مسئله با انتقاد از سوی برخی محققان مواجه شده به گونه‌ای که «درسلر»، استاد ممتاز حقوق کیفری آمریکا، آن را مایه وهن نظام حقوقی آمریکا معرفی کرده است (Dressler, 2008, 427).

در حقوق ایران رکن مادی معاونت در جرم چنین قلمرو گسترده‌ای ندارد. مطابق ماده ۱۲۶ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲، رکن مادی معاونت در جرم به یکی از اشکال زیر قابل تحقق است: «الف-

۱۴- از این ماده می‌توان به‌عنوان رکن قانونی معاونت در جرم در حقوق آمریکا یاد کرد.

هرکس دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد. ب- هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد. پ- هرکس وقوع جرم را تسهیل کند. بدیهی است از آنجایی که تبصره ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تقدم یا اقتران زمانی رفتار معاون و مرتکب جرم را شرط تحقق معاونت در جرم می‌داند، برخلاف قانون نمونه جزای آمریکا، رفتار شخصی که پس از ارتکاب جرم صورت می‌گیرد، نمی‌تواند رکن مادی معاونت را شکل دهد. وانگهی تأثیر رفتار معاون در ارتکاب جرم نیز شرط تحقق معاونت در جرم معرفی شده است (صادقی، ۱۳۸۰، ۲۴۴).

۳-۲- رکن روانی

علاوه بر رکن مادی جرم، محکومیت بزهکار منوط به احراز وجود قصد و سوءنیت لازم برای ارتکاب جرم می‌باشد (Courteau, 1998, 325). معاونت در جرم نیز از این قاعده مستثناء نیست (Lafave & Scott, 1972, 576). وجود و احراز «قصد» معاون، عنصری است که بدون آن تحمیل مجازات بر وی موجه نخواهد بود (Kadish, 1985, 346). به همین سبب دادگاه‌ها درجایی که شخصی به اختیار، دیگری را از طریق فریاد زدن به ارتکاب جرم ضرب و جرح تشویق کند درحالی که واقعاً چنین قصدی نداشته، معاونت در جرم ضرب و جرح را محقق ندانسته‌اند.^{۱۵}

رکن روانی معاونت در جرم موضوع چالش‌برانگیزی در حقوق کیفری آمریکا محسوب می‌شود و با ابهامات اساسی روبرو بوده است (Lafave & Scott, 1972, 579). این چالش از زمان صدور دورای در دادگاه‌های تجدیدنظر آمریکا شکل گرفت (Westerfield, 1980, 158). در پرونده پیونی دادگاه دوم تجدیدنظر، معیار مضیقی را به منظور احراز معاونت در جرم تأسیس نمود و اعلام کرد که تحمیل مسئولیت بر معاون منوط به وجود قصد خاص وی برای وقوع جرم اصلی توسط مباشر می‌باشد.^{۱۶} در مقابل، دادگاه چهارم تجدیدنظر در پرونده بیکان، اعلام کرد که چون هر شهروندی واجد تعهدی اخلاقی مبنی بر جلوگیری از وقوع جرم است، چنانچه با علم به این که کمک وی به ارتکاب جرم مساعدت می‌نماید، چنین کمکی را صورت دهد، حتی اگر قصد خاص تسهیل ارتکاب جرم را نداشته باشد، به‌عنوان معاون جرم مسئول خواهد بود.^{۱۷}

15- See, eg., Hicks v. United States, 150 U. S. 442, 449 (1893)

16- United States v. Peoni 100 F. 2d 401 (2d Cir. 1938)

17- Backun v. United States 112 F. 2d 635 (4th Cir. 1940)

۱-۳-۲- علم به فعل مجرمانه

به موجب این معیار، صرف علم شخص به جرم اصلی، شرط قصد در معاونت را محقق می‌کند؛ در پرونده ابرهاردت دادگاه اعلام کرد که صرف علم شخص به جرم ارتكابی توسط مباشر، موجب تحمیل مسئولیت ناشی از معاونت در جرم می‌شود.^{۱۸} برخی دادگاه‌ها نیز اعمال معیار علم را در جرائم مهم (جنایات‌ها) مجاز دانسته‌اند. برای مثال در پرونده‌های لائورا و فوتتین، دادگاه‌ها براساس شدت و اهمیت جرائم اعلام کردند که صرف علم در جرائم سنگین کافی است و معیار عمد و قصد خاص فقط مخصوص جرائم کوچک‌تر (جنحه) می‌باشد.^{۱۹} بر همین اساس، به منظور تحقق معاونت، در جرم خیانت به کشور صرف علم کافی تشخیص داده شد.^{۲۰} اما در جرم فروش غیرقانونی مشروبات، دادگاه صرف علم را کافی ندانست.^{۲۱}

به موجب چنین آرائی اهداف اجتماعی بازدارندگی از وقوع جرم و ممانعت از ارتكاب آن بر ابعاد منفی اعمال معیار علم به منظور تحقق معاونت در جرم ترجیح دارد (Courteau, 1998, 331). به اعتقاد برخی، هرچند در این پرونده‌ها، دادگاه قصد لازم را احراز نموده اما حقیقت امر آن است که به باور دادگاه، افراد واجد تعهد اخلاقی ممانعت از وقوع جرم در جامعه هستند و به همین دلیل علم آلوده به تقصیر نیز قصد لازم به منظور تحقق معاونت در جرم را کفایت می‌کند.^{۲۲}

۲-۳-۲- معیار عمد در معاونت

مطابق این معیار، شرط احراز معاونت در جرم آن است که شخص با هدف ارتكاب جرم توسط مباشر وی را کمک نموده یا وقوع جرم را تسهیل کند؛ قاضی لرنند هند در پرونده پیونی اعلام کرد که معاونت در جرم مستلزم آن است که معاون عمداً به ارتكاب جرم کمک کند و توفیق در ارتكاب جرم خواست وی باشد.^{۲۳} اعمال معیار عمد در معاونت مانع از آن می‌شود تا صرف قابلیت پیش‌بینی مبنای مسئولیت واقع گردد، زیرا طبق این معیار، صرف علم به این که ممکن است در آینده جرمی ارتكاب یابد، معاونت را محقق نمی‌کند. بنابراین، معاون نیز باید قصد ارتكاب جرم اصلی را داشته باشد (Mueller, 1988, 2176).

عده‌ای با استناد به نقش کم‌رنگ رکن مادی و رابطه سببیت در معاونت، اعمال معیار عمد را ضروری

18- United States v. Eberhardt, 417 F. 2d 1009, 1013 (4th Cir. 1969)

19- People v. Lauria, 251 Cal. App. 2d 471, 481, 59 Cal. Rptr. 628, 634 (1967)

20- Cramer v. United States, 325 U. S. 1 (1945)

21- United States v. Aponte-Suarez, 905 F. 2d 483, 490-91 (1st Cir. 1990)

22- Backun v. United States 112 F. 2d 635 (4th Cir. 1940)

23- United States v. Peon 100 F. 2d 401 (2d Cir. 1938)

دانسته‌اند (Mueller, 1988, 2173). به همین دلیل است که دادگاه عالی آمریکا در پرونده نی و نیسن معیار به کار رفته در پرونده پیونی (معیار عمد) را پذیرفت^{۲۴} و متعاقب آن در بسیاری از دادگاه‌های دیگر نیز مورد اقبال قرار گرفت (Kinports, 2015, 137). در پرونده رزموند نیز دادگاه همین مسئله را مورد تأکید قرار داد.^{۲۵} وانگهی از نظر منطقی نیز شایسته نیست که معیار مضیق عمد برای احراز عنصر روانی مباشر جرم به کار رود، اما به منظور احراز عنصر روانی معاون، صرف علم و قابلیت پیش‌بینی نیز کفایت نماید. این مسئله توسط اغلب محققان نقل گشته و از آن با عنوان یک پدیده «نامتجانس و غیرمنصفانه» یاد شده است (Kadish, 1985, 352).

در حقوق ایران هم مبتنی بر فقه اسلام قصد اعانت شرط تحقق معاونت در جرم می‌باشد و صرف علم به هدف مجرمانه مباشر در این زمینه کافی نیست. به موجب تبصره ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود».

۳-۳- ارتکاب جرم اصلی

معاونت در جرم ماهیتی اشتقاقی و عاریه‌ای دارد و خود جرم مستقلی نیست (Fletcher, 1978, 634). تا جرمی واقع نشود، معاونت در آن معنا نمی‌یابد یا آن که محکومیت معاون می‌تواند منوط به صدور حکم محکومیت علیه مباشر جرم باشد (Kadish, 1985, 344). علاوه بر این، نوع و میزان مجازات معاون نیز برگرفته از مجازات مباشر خواهد بود. قانون نمونه جزای آمریکا در این زمینه صراحتاً مقرر می‌کند که به رغم محکومیت شخص به‌عنوان معاون جرم، او متهم به ارتکاب جرم اصلی بوده و بر همین اساس مجازات می‌شود.^{۲۶}

شرط محکومیت کیفری به‌عنوان مباشر در آمریکا این است که شخص عملی خلاف قانون را مرتکب شود. شرط محکومیت کیفری به‌عنوان معاون نیز این است که شخص با هدف ارتکاب جرم، عمل مباشر را تسهیل نموده یا کمک کند. بنابراین، تا زمانی که مباشر جرم، عمل خلاف قانونی را مرتکب نگردد، ماهیت اشتقاقی معاونت در جرم اقتضاء دارد تا معاونت در جرم نیز تحقق نیابد. با این همه، قانون نمونه جزای آمریکا متضمن مقرراتی است که براساس آن شروع به جرم معاونت نیز مشمول مجازات تلقی شده

24- Nye & Nissen v. United States 336 U. S. 613, 619 (1949)

25- Rosemond v. United States 134 S. Ct. 1240 (2014)

26- MODEL PENAL CODE § 2. 06 (Official Draft and Revised Comments 1985)

است و برخی ایالات نیز همین رویه را برگزیده‌اند (حسینی و علیزاده، ۱۳۹۹، ۱۳۶). برای مثال ممکن است که شخصی به منظور کمک به مباشر در ارتکاب جرم با او توافق نماید، اما موفق به انجام چنین کمکی نشود. در صورت ارتکاب جرم از سوی مباشر، شخص دیگر محکوم به مجازات شروع به معاونت خواهد بود. در این فرض نیز بدیهی است که چنانچه مباشر، مرتکب جرمی نگردد، معاون نیز مجازاتی نخواهد داشت، زیرا توافق برای ارتکاب جرم، تلاش برای ارتکاب جرم تلقی می‌شود.

برخلاف نظام ابزارگرایی حقوق آمریکا که به افراط در مجازات معاونین در جرم دچار شده و البته با اهدافی فراتر از نیل به عدالت، سیاست‌های بازدارندگی را در پیش گرفته، در نظام اخلاق‌گرای ایران، مادامی که مباشر، جرم اصلی را محقق نکرده، معاونت در جرم نیز ثابت نشده و در نتیجه، معاون قابل مجازات نیست. ماهیت اشتقاقی معاونت نیز مثبت همین حکم است.

۳-۴- رابطه سببیت

تردیدی نیست که در حقوق کیفری آمریکا نیز وجود رابطه سببیت بین رفتار مجرم و نتیجه مجرمانه، شرط احراز مسئولیت کیفری می‌باشد. برای مثال مادامی که بین رفتار فرد و قتل، رابطه سببیت اثبات نگردد، دادگاه‌ها نمی‌توانند شخص را به جرم قتل محکوم نمایند. بر این اساس، مجرمیت شخص زمانی محرز می‌شود که اثبات گردد نتیجه مجرمانه حاصل نمی‌شد مگر با مداخله شخص در ارتکاب جرم.

در بحث راجع به رکن مادی معاونت مشاهده شد که بی‌اثرترین رفتارها نیز می‌تواند به‌عنوان رکن مادی در نظر گرفته شود. حتی برخی آراء نیز وجود داشت که به رغم اثبات عدم تأثیر رفتار معاون در تحقق جرم، حکم به مجازات معاون داده بودند. به همین دلیل است که برخی محققان معتقدند که اساساً رابطه سببیت به‌عنوان یک عنصر هیچ نقشی در تحقق معاونت در جرم ندارد (Moore, 1991, 397). چراکه حتی در چنین مواردی اثبات وجود رابطه سببیت بر مبنای معیار اولیه «مگر با» نیز دشوار یا ممتنع است (Mueller, 1988, 2170). وانگهی در اغلب موارد می‌توان گفت که اقدام ارادی مباشر جرم قاطع رابطه سببیت بین رفتار معاون و جرم حاصله است. این دیدگاه توسط برخی محققان نیز در راستای اثبات عدم وجود رابطه سببیت در معاونت طرح شده است (Hart, 1985, 68). استاد کادیش، که در لسان سایر اساتید حقوق کیفری آمریکا، سرآمد محققان حقوق کیفری این کشور یاد شده (Moore, 1991, 419)، بر این باور است که رفتار آزاد و ارادی مباشر جرم، آخرین حلقه از زنجیره اسباب وقوع جرم است و نمی‌توان

چنین رفتار آزادی را منتسب به رفتار معاون جرم نمود (Kadish, 1985, 327). یعنی رفتار معاون نمی‌تواند سبب روز رفتار مباشر جرم تلقی گردد (Kadish, 1985, 410). در مقابل، عده دیگر ضمن رد دیدگاه اخیر، معتقدند که به طور مطلق نمی‌توان این دیدگاه را پذیرفت و بر همین اساس معاونت را به دو نوع مبتنی بر رابطه سببیت و غیر آن تقسیم نموده‌اند. به عبارت دیگر از نظر اینان، در برخی مصادیق معاونت، رابطه سببیت وجود دارد و در برخی دیگر چنین رابطه‌ای موجود نیست (Dressler, 2008, 440).

در نظام حقوقی ایران نیز بدون تردید، میان رفتار معاون و نتیجه مجرمانه، رابطه سببیت اثبات نمی‌شود چه آن که در غیر این صورت مرزی میان معاونت و مشارکت در جرم باقی نمانده و تداخل نابجای اصول پیش خواهد آمد. به همین دلیل است که در نظام اخلاق‌گرای کیفری ایران، مجازات معاون جرم، همواره از مباشر خفیف‌تر است.

۴- آثار معاونت در جرم

معاونت در جرم از دو منظر می‌تواند واجد اثر تلقی گردد؛ از یک سو اثری که رفتار معاون در ارتکاب جرم دارد قابل توجه است و از سوی دیگر می‌توان به اثر اصلی آن که همانا تحمیل مجازات بر معاون است اشاره نمود. با عنایت به آن که اصولاً حتی رفتارهای بی‌اثر در رفتار مباشر جرم نیز در حقوق آمریکا مشمول عنوان معاونت در جرم قرار می‌گیرد، شاید نتوان از این منظر معاونت در جرم را در حقوق آمریکا واجد اثر تلقی کرد. بنابراین، تنها اثر معاونت در جرم تحمیل مجازات بر معاون جرم خواهد بود. چون در دکترین حقوقی آمریکا، معاونت در جرم ماهیتی عاریه‌ای دارد، همان مجازات مباشر جرم بر معاون بار می‌شود. یعنی درحالی که معاون هیچ نقشی در ارتکاب رکن مادی جرم ندارد، نظام کیفری آمریکا ضمن زیرپا نهادن اصل شخصی بودن مجازات و براساس یک رهیافت ابزارگرایانه، مجازات برابر با مباشر بر معاون تحمیل می‌کند. در این راستا تفاوتی نمی‌کند که میزان مشارکت و اثرگذاری رفتار معاون بر ارتکاب جرم اصلی چه مقدار باشد. هر میزان از مشارکت به انضمام احراز سوءنیت و قصد مجرمانه معاون کافی است تا وی در معرض مجازات سنگینی قرار گیرد (حسینی و علیزاده، ۱۳۹۹، ۱۳۴) به نقل از استاد ممتاز حقوق کیفری آمریکا، درسلر، نظام کیفری آمریکا در زمینه معاونت رویکردی صرفاً دوجانبه اتخاذ نموده است؛ یعنی یک شخص یا معاون جرم است یا نیست و چنانچه معاونت وی احراز گردد، بدون توجه به میزان شدت یا ضعف مشارکت او در ارتکاب جرم، به مجازاتی برابر با مباشر جرم محکوم خواهد شد (Dressler, 2008, 433).

به نظر می‌رسد که چنین اثری که نقدهای بزرگان حقوق کیفری آمریکا را نیز در پی داشته، صرفاً از منظر رویکرد ابزارگرایی حقوق آمریکا در خصوص معاونت در جرم قابل توجه است و گرنه از نقطه نظر قواعد حقوقی و کیفری نمی‌توان از آن دفاع کرد. چراکه برای مثال، عموماً اعتقاد بر این است که تحمیل مجازات بر معاون جرم از مصادیق عدول از اصل کلی شخصی بودن مجازات‌ها است. بنابراین، نمی‌توان تفسیر موسعی از آن به دست داد. وانگهی عدم توجه به میزان نقش معاون در ارتکاب جرم توسط مباشر، ریسک عدم امنیت روانی در تجار را بالا برده و فعالیت‌های آزاد تجاری را به مخاطره خواهد انداخت. در مقابل، می‌توان با مبنا قرار دادن اصول اخلاقی و نقش بازدارنده و انگیزشی تحمیل مجازات سنگین بر معاون جرم، از تحمیل مجازات سنگین و برابر با کیفر مباشر بر معاون دفاع نمود. تحلیلی که ظاهراً در نظام حقوقی آمریکا مورد پذیرش قرار گرفته و قابل تأیید است.

اثر ارتکاب معاونت در حقوق ایران، تحمیل مجازات اخف بر معاون است که در بسیاری موارد ممکن است به جهت سبک بودن، فاقد جنبه بازدارندگی باشد. توجه به عدم مسئولیت مدنی معاون جرم نیز فقدان بازدارندگی مجازات و مسئولیت معاون در حقوق ایران را بیشتر نمایان می‌سازد. چه آن‌که، مصادیق معاونت در جرم در حقوق ایران، با عنایت به شرطیت وقوع جرم اصلی، همواره مشمول اجتماع مباشر و سبب هستند. طبق قاعده مسئولیت مدنی در فرض اجتماع مباشر و سبب، همواره مباشر مسئول است مگر آن‌که سبب اقوی باشد. بنابراین، در فروض عادی چنین اجتماعی، فقط مباشر مسئول است و معاون جرم فاقد مسئولیت مدنی خواهد بود. با این همه، ممکن است با استناد به مفاد ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، حکم به مسئولیت مدنی معاون جرم نمود. به نظر می‌رسد اگرچه از ظاهر این ماده، چنین استنباطی قابل برداشت است اما ما نیز همگام با برخی محققان (نجفی، ۱۳۹۸، ۵۱۴) در این زمینه معتقدیم که با توجه به استثنائی بودن مفاد این ماده، حکم مزبور به فرض اجتماع عرضی اسباب محدود است زیرا در اجتماع طولی، حسب قاعده مشهور، جز در فرض احراز اقوی بودن سبب، فقط مباشر ضامن است.

نتیجه

معاونت در جرم، چه به‌عنوان یک جرم مستقل در نظر گرفته شده یا تابعی از جرم اصلی به حساب آید، وضعیتی است که از دو جنبه قابل بررسی است؛ رفتار معاون جرم، بدون تردید با حصول شرایط لازم مانند وجود قصد، اخلاقاً سرزنش‌پذیر است و از این منظر، تحمیل مجازات بر کسی که رکن مادی جرم به وی

مستند نیست، موجه به نظر می‌رسد. در عین حال، تحمیل مجازات بر معاون، از زاویه بازدارندگی و سایر اهداف اجتماعی نیز حائز اهمیت است. بنابراین، تحمیل مجازات بهینه بر او به منظور نیل به اهداف مزبور ضروری به نظر می‌رسد. بررسی نظریه‌های ابزاری راجع به مبنای حقوق کیفری و مجازات نشان داد که بازدارندگی از وقوع جرم، هدف اصلی مجازات است. درحالی‌که نظریه اخلاقی حقوق کیفری، انتقام‌جویی و سزادهی را هدف عمده مجازات‌ها می‌داند. بر مبنای نظر اخیر، تحمیل مجازات بر افراد در صورتی موجه است که اولاً مرتکب رفتار قابل سرزنشی شوند و ثانیاً رفتار آنان مؤثر در وقوع جرم باشد در غیر این صورت تحمیل مجازات فاقد وجه حقوقی و اخلاقی است. در مقابل، به موجب نظریه‌های ابزارگرا، تحمیل مجازات، موجه است حتی اگر رفتار فرد اخلاقاً قابل سرزنش نبوده یا مؤثر در وقوع جرمی نباشد؛ هدف آن است که فرد خاطی در آینده دیگر مرتکب خطا نشود و ضمن آن، سایر خاطیان بالقوه، درس گرفته و مرتکب جرم نگردند.

افراط و تفریط موجود در حقوق آمریکا و ایران منطقی به نظر نمی‌رسد؛ در آمریکا تأکید بر مبنای ابزاری حقوق کیفری به حدی است که کوچک‌ترین و غیرمؤثرترین، افعال نیز معاونت در جرم تلقی شده و در نتیجه معاون جرم، به مثابه مباشر، متحمل مجازات می‌شود (غیر اخلاقی اما اصولاً بازدارنده)، درحالی‌که تأکید بر اصول حقوق کیفری در ایران، موجه شده است تا حتی در مواردی که عرفاً نتیجه مجرمانه به رفتار معاون مستند است، با تحمیل مجازات اخف از مباشر بر وی (اصولاً اخلاقی و در عین حال غیربازدارنده)، مجازات معاونت در جرم، جنبه بازدارندگی خود را تا حدود زیادی از دست بدهد. بنابراین، به نظر می‌رسد که ایجاد موازنه در این وضعیت، بهترین روش برای نیل به عدالت کیفری است؛ موازنه‌ای که از یک سو جانب اخلاق را گرفته و از سوی دیگر، از توجه به آرمان بازدارندگی نیز غافل نماند.

پیشنهاد

به کارگیری معیارهای مشارکت اساسی، کنترل، تسلط و رابطه سببیت، در این زمینه، پیشنهاد شده است. اعمال این معیارها، موجب می‌شود تا تحمیل مجازات بر معاون در هر مورد، اخلاقی و در عین حال منطبق با سیاست‌های بازدارندگی باشد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- علیدوست، ابوالقاسم، ۱۳۹۳، دلالت یا عدم دلالت آیه «لاتعاونوا علی اثم والعدوان» بر حرمت اعانت و تعاون بر اثم و عدوان، **دوفصلنامه قرآن فقه و حقوق اسلامی**، شماره ۱.
- احدی، سیف‌الله و فخلعی، محمدتقی، ۱۳۹۳، پژوهشی در دلالت عبارت قرآنی (لا تعاونوا علی الاثم و العدوان) بر حرمت اعانت بر اثم و عدوان، **فصلنامه آموزه‌های فقه مدنی**، شماره ۱۰.
- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۷۵، مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر در حقوق کیفری ایران، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، شماره ۱۶ و ۱۷.
- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۲، **حقوق جزای عمومی**، تهران، انتشارات میزان.
- آقایی‌نیا، حسین، ۱۳۹۴، **جرایم علیه اشخاص**، تهران، انتشارات میزان.
- انصاری، قدرت‌الله؛ انصاری، محمدجواد؛ بهشتی، ابراهیم؛ طباطبائی، سیدعلی‌اکبر، ۱۳۸۵، **تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا**، چاپ اول، قم، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حسنی، محمدحسن و علیزاده، حمید، ۱۳۹۹، مطالعه تطبیقی معاونت در جرم در حقوق کیفری ایران، آمریکا و اسکاتلند، **فصلنامه پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۱۹.
- حسینی، سیدعبدالرحیم و ملیحی، سیدمصطفی، ۱۳۹۵، واکاوی فقهی قلمرو آیه تحریم اعانت بر اثم، **فصلنامه پژوهشنامه قرآن و حدیث**، شماره ۱۹.
- خسروشاهی، قدرت‌الله و آئیدی، محمدمحسن، ۱۳۹۴، جایگاه بازدارندگی عام در کیفرهای تعزیری، **فصلنامه فقه و حقوق اسلامی**، شماره ۱۰.
- صادقی، محمدهادی، ۱۳۸۰، **جرایم علیه اشخاص**، تهران، انتشارات میزان.
- ولیدی، محمدصالح، ۱۳۸۲، **حقوق جزا (مسئولیت کیفری)**، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- گلدوزیان ایرج و حسین‌جانی، بهمن، ۱۳۸۴، مبانی اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری در حوزه ادیان، **فصلنامه الهیات و حقوق**، شماره ۱۵ و ۱۶.

- محسنی، مرتضی، ۱۳۸۶، **حقوق جزای عمومی (مسئولیت کیفری)**، تهران، انتشارات گنج دانش.

- موسوی بجنوردی، سیدمحمد، ۱۳۸۲، معاونت در جرم، **فصلنامه پژوهشنامه متین**، شماره ۱۸.

- نجفی، حامد؛ صادقی، محمود؛ شهبازی‌نیا، مرتضی، ۱۳۹۸، نقض نیابتی کی‌رایت در حقوق ایران و آمریکا، **فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، شماره ۱۰۴.

- نجفی، حامد؛ صادقی، محمود؛ شهبازی‌نیا، مرتضی، ۱۳۹۸، اشتراک در خطا و ضمان؛ مطالعه‌ای تطبیقی در حقوق آمریکا و ایران با تأکید بر مفهوم انتساب، **دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی**، شماره ۵۰.

- نجفی، حامد، ۱۳۹۸، نقض غیرمستقیم حقوق مالکیت فکری در حقوق آمریکا و ایران، **رساله دکتری حقوق خصوصی**، دانشگاه تربیت مدرس.

لاتین

- Becker, Gary S. , 1968, Crime and Punishment: An Economic Approach, Journal of Political Economy, Vol 76, No, 2.
- Bentham, Jeremy, 1879, An Introduction to the Principles of Morals and Legislation, Clarendon Press.
- Bentham, Jeremy, 1984, A Fragment on Government and an Introduction to the Principles of Morals and legislation, Basil Blackwell.
- Clark, William Lawrence and William L. Marshall, 1976, A Treatise on the Law of Crimes, Callaghan.
- Courteau, Candace, 1998, The Mental Element Required for Accomplice Liability: A Topic Note', La. L. Rev, Vol. 59.
- Doyle, Charles, 2014, Aiding, Abetting, and the Like: An Overview of 18 U. S. C. 2, Congressional Research Service.
- Dressler, Joshua, 1985, Reassessing the Theoretical Underpinnings of Accomplice Liability: New Solutions to an Old Problem", HASTINGS L. J, Vol. 37.
- Dressler, Joshua, 2008, Reforming Complicity Law: Trivial Assistance As a Lesser Offense?, OHIO ST. J. CRIM. L, Vol. 5.
- fisher, talia, 2014, economic analysis of criminal law, in: The Oxford Handbook of Criminal Law, ed by: Markus Dirk Dubber, Tatjana Hörnle, Oxford University Press.
- Fletcher, George P. , 1978, Rethinking Criminal Law, Little, Brown.
- Harcourt, Bernard E. , 2011, the Illusion of Free Markets: Punishment and the Myth of Natural Order, Harvard University Press.
- Hart, H. L. A. and Tony, Honoré, 1985, Causation in the Law, OUP Oxford.
- Heyman, Michael G. , 2014, Clinging to the Common Law in an Age of Statutes: Criminal Law in the States, MINN. L. REV, Vol. 99.

-
- Kadish, Sanford H. , 1985, Complicity, Cause and Blame: A Study in the Interpretation of Doctrine, Cal. L. Rev, Vol. 73.
 - Kinports, Kit, 2015, Rosemond, Mens Rea and the Elements of Complicity, San Diego L. Rev, Vol. 52.
 - Lafave, Wayne, 1972, Austin W. Scott Jr, Handbook on Criminal Law , West Publishing Company.
 - Leon, Pearl, 1982, A Case Against the Kantian Retributivist Theory of Punishment: A Response to Professor Pugsley, Hofstra Law Review, Vol. 11.
 - Moore, Michael S. , 1991, Tribute: Retirement of Sanford Kadish, California Law Review, vol. 79.
 - Mueller, Grace E. , 1988, Note, the Mens Rea of Accomplice Liability, S. Cal. L. Rev, Vol. 61.
 - Posner, Richard A. , 1983, the Economics of Justice, Harvard University Press.
 - Pugsley, Robert A. , 1979, Retributivism: A Just Basis for Criminal Sentences, HOFSTRA L. REV, Vol. 7.
 - Rogers, Audrey, 1988, Accomplice Liability for Unintentional Crimes: Remaining Within the Constraints of Intent, Loy. L. A. L. Rev, vol, 31.
 - Sayre, Francis Bowes, 1930, Criminal Responsibility for the Acts of Another, HARV. L. REV, Vol. 43.
 - West, Henry R. , 2004, an Introduction to Mill's Utilitarian Ethics, Cambridge University Press.
 - Westerfield, Louis, 1980, The Mens Rea Requirement of Accomplice Liability in American Criminal Law - Knowledge or Intent", Miss. L. J, vol. 51.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.19- Spring 2024

Jurisprudential Legal Analysis of Rent Based on Time Unit

Homayoun Mafi, Reza Ahmadi Lemraski

A Comparative Study of the Legislative Criminal Policy of Iran and England Regarding Offences Related to Emotional Abuse

Behrooz Javanmard, Sahar Fatemi

Position of Women in Afghanistan from the Perspective of International Human Rights

Mohsen Molaei Fard, Hadi Masoudifar

Analyzing the basic Conditions of Contract Formation in the Conclusion of Electronic Contracts; Responsibilities and Penalties

Zahra Ansarifar, Maryam Kamaei

Recovery of Costs and Security for Costs in Third Party Funding in International Arbitration

Mohammad Mahdi Asadi

Feasibility of Criminal and Legal Prosecution of Government Officials in Violation of Citizens' Right to Health

Mohammad Saeid Hosseini, Mohammad Javad Javid

Assistant in Crime in American and Iranian Law; a Study with an Emphasis on Criminal Instrumentalism

Rohollah Ahangaran

Place of Reason in Deriving Jurisprudence

Ali Karimi, Hasan Sadeghian Meshkani, Sayyed Mohammad Hosein Jazayeri

Analyzing the Rights of Prisoners with an Approach to Domestic and International Institutions

Sayyedeh Mahshid Miri Balajorshari, Amirreza Mahmoudi

The Effect of the Twenty-Year Contract on Bilateral Relations between Iran and Russia in the 13th Government

Sayyed Amin Hosseini, Ahmad Shohani, Iraj Morvati

Promotion of Cultural Rights in the Light of Islamic Religion and Iran's Legal System

Alireza Ansari Mahyari, Zahra Sadat Hosseini

Crimes of Registration of Documents and Real Estate in Iranian Criminal Law

Amir Esmaceli, Navid Motamedarya, Fatemeh Nazarpur

The Criteria for Distinguishing Torture from other Inhuman Treatment

Mahan Ghorbani Pasvisheh

Exceptions to the Principle of Inadmissibility of Objections against the Holder in Good Faith

Sara Farzadimehr, Shapoor Mohammadhosseini, Mohammadreza Haghighi

The Battered Woman Syndrome and Self-defense: A Legal and Empirical Dissent

Maryam Farahi

The Effects of the Guarantee of Good Performance of Obligations in Iranian Law

Aslan alizadeh